



دومین کنفرانس ملی
راهکارهای توسعه و ترویج آموزش علوم در ایران

2nd National Conference
on Strategies for promoting science education in Iran

۱۸ تیرماه ۱۳۹۵
8 July 2016

Galedar - Iran

گله دار - ایران



توجه به آموزش و یادگیری ادبیات فارسی در مدارس با توجه به نظریه یادگیری اکتشافی برونر

مریم جعفری

دکترای زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سیرجان، عضو هیأت علمی و استادیار

Email: (m.jafari7800@yahoo.com)

چکیده

ادب فارسی، پلی است برای انتقال فرهنگ از نسل های گذشته به امروز و از امروز به آینده. ادبیات با زندگی ما آمیخته است. ما همه روزه، در اشکال متفاوت از نظم و نثر، تاثیر می پذیریم. از اندیشه هایی که از طریق آثار ادبی منتقل می شود، پند هایی برای زندگی می آموزیم و مشتاق به خواندن آن ها می شویم. کتاب های زبان و ادبیات فارسی در مدارس از جمله راه های آشنایی و یادگیری مستقیم فرد با ادبیات است. از این رو شیوه آموزش و یادگیری آن بسیار حائز اهمیت می باشد.

آشنایی معلمان با نظریه های یادگیری کمک می کند تا شناخت بهتر و بیشتری از نحوه ی یادگیری و تفکر و ارتباط دانش آموزان با دیگران و محیط پیرامون بکشایند. در این تحقیق به توضیح و تبیین نظریه یادگیری اکتشافی برونر می پردازیم. او در نظریه خود به کسب معرفت بیشتر از حفظ واقعیت های علمی توجه دارد. برونر در تحقیقات خود به مطالعه فرایند یادگیری در کلاس می پردازد و بر فرایند تفکر تأکید می کند. بر اساس نظریه برونر هدف آموزش و پرورش باید این باشد که یادگیرنده را به صورت متفکری خودمختار در آورد. او معتقد به اداره ی کلاس به شیوه ی شاگردمداری است نظریه او سازنده گراست و بر اساس روند تغییر برداشت ذهنی یک فرد از دنیای خارج به تناسب تجارب جدید، بنا نهاده می شود. بنابراین می توان چنین نتیجه گرفت که در شیوه آموزش و تدریس ادبیات فارسی به ویژه در تأویل خوانش شعر و نثر دیگر نیازی به ترجمه، شرح و تفسیر از سوی آموزگار نیست، بلکه دانش آموزان در فرایند تفکر به برداشت های متفاوت و متنوع دست می یابند. آنها خود در می یابند که چه باید از دل متن بیرون بیاورند.

کلمات کلیدی: ادبیات فارسی، آموزش و یادگیری، برونر، نظریه یادگیری اکتشافی



۱. مقدمه

زبان و ادبیات فارسی با پیشینه هزار و چندصدساله اش میراث معنوی همه ی اقوام ایرانی است. ادبیات و هنر آفرینندگی است و به آثار با ارزشی که برگرفته از اندیشه و خیال باشد اطلاق می‌شود و به خاطر بیان ارزش‌های اجتماعی و انسانی، برای کلّ جامعه‌ی بشری، مفید بوده است. زبان و ادب فارسی، پلی است برای انتقال فرهنگ از نسل‌های گذشته به امروز و از امروز به آینده. ادبیات با زندگی ما آمیخته است. ما همه روزه، در اشکال متفاوت از نظم و نثر، تاثیر می‌پذیریم. از اندیشه‌هایی که از طریق آثار ادبی منتقل می‌شود، پندهایی برای زندگی می‌آموزیم و مشتاق به خواندن آن‌ها می‌شویم. زبان و ادبیات، جلوه گاه اندیشه، آرمان، فرهنگ و تجارب و روحیات یک جامعه است. انسان‌ها در گذر زمان از زبان برای انتقال پیام‌ها، عواطف و اندیشه‌های خویش بهره جسته‌اند و از ادبیات که زبان برتر است به عنوان ابزاری در انتقال بهتر، و مؤثرتر اندیشه‌ی خود استفاده کرده‌اند. ادبیات، در تلطیف احساسات، پرورش ذوق و ماندگار کردن ارزش‌ها و اندیشه‌ها، سهمی بزرگ و عمده بر دوش داشته است. «ادبیات که برای گشودن دیدگان متعلم نسبت به اهمیت انتخاب انسان دخیل است، اشخاص را در رویارویی با مسائل انسانی توصیف می‌کند.» [۱] از طریق ادبیات است که خواننده ظرفیت‌های عاطفی خود را در اختیار آفریننده اثر هنری قرار می‌دهد. «درگیر شدن غیر مستقیم فرد در مسائل عمیقی چون، عشق، مرگ، رنج، گناه و آزادی وسیله‌ی فوق العاده‌ای برای توصیف وضع و حال انسان و دست‌یابی به معنی در جهانی است که ظاهراً بی معنی است.» [۱] بنابراین ادبیات فارسی را می‌توان مجموعه‌ای از غنی‌ترین منابع ارزشی، پسندها و ناسپندها دانست که قرنهای متوالی توسط اندیشمندان و بزرگان نگاشته شده است. یادگیری این آموزه‌های اخلاقی و تعلیمی به ضرورت توجه ویژه به تدریس این درس در مدارس می‌انجامد.

اهمیت یادگیری بر هیچکس پوشیده نیست. و این امر مهم باعث ایجاد چالش‌های فکری در میان دانشمندان و محققین علاقمند به حوزه‌ی یادگیری و آموزش شده است که خروجی آن رویارویی با نظریات متفاوت و گوناگون در حوزه‌ی یادگیریست.

بررسی یادگیری نسبتاً جدید است و تا اواخر قرن نوزدهم یادگیری به صورت علمی بررسی نمی‌شد. نظریه‌های یادگیری درباره‌ی ماهیت و چگونگی یادگیری بحث می‌کنند. این نظریه‌ها چارچوب مناسبی هستند که روابط میان پدیده‌ها را می‌توان در بستر و زمینه‌ی آنها توضیح داد. [۲]

آشنایی معلمان با نظریه‌های یادگیری کمک می‌کند تا شناخت بهتر و بیشتری از نحوه‌ی یادگیری و تفکر و ارتباط دانش‌آموزان با دیگران و محیط پیرامون بکشایند. این آگاهی و شناخت موجب می‌شود تا معلمان افق‌های جدید در مقابل خود دریابند. «کارایی و مهارت معلمان تضمین‌کننده‌ی فعالیت‌های آنان در موثر واقع شدن آموزش است. نقش معلم در نظام آموزش و پرورش تنها تدریس نیست، راهنمایی دانش‌آموزان در امر یادگیری است، به سخن دیگر یادگیرنده باید بیاموزد که چگونه یادبگیرد. هنر معلم در انتخاب و اجرای روش‌های تدریس است که نمایان می‌شود، تا طی فرایند تدریس، دانش‌آموز برای تمام دوران زندگی خود بیاموزد که چگونه می‌تواند اطلاعات مورد نیازش را یاد بگیرد.» [۳]

در این پژوهش به بررسی شیوه‌ی آموزش ادبیات فارسی با توجه به نظریه یادگیری اکتشافی برونر می‌پردازیم. شاید این سوال در ذهن مخاطبان پیش‌آید که چرا از میان نظریه پردازان شناختی در حیطه یادگیری آراء برونر مورد بحث قرار می‌گیرد؟ در پاسخ باید گفت آراء برونر تا حدودی ملهم از نظریات جان دیویی «پدر آموزش و پرورش پیشرو» [۱] است. در آموزش و پرورش مکتب دیویی معلم به جای میدان‌داری به عنوان تکیه‌گاه، یادگیری دانش‌آموزان را هدایت می‌کند. نقش مرکزی و هسته‌ای او جای خود را به نقش یک راهنما می‌دهد. راهنمایی دانش‌آموزانی که به کمک یا مشورت نیازمندند. در



این شیوه کنترل معلم بر موقعیت یادگیری به طور غیر مستقیم است نه مستقیم. [۱] متأسفانه در نظام آموزشی کشور ما، یادگیری صرفاً حاصل مجموعه ای از فعالیت های معلمان است که از کسب دانش آرایه شده در کتب درسی فراتر نمی رود. اغلب یادگیرندگان بی آنکه به عمق یادگیری و کاربرد دانسته ها بیاندیشند، مفاهیم و قواعد را برای نمره گرفتن و قبول شدن در امتحانات، حفظ و از بر می کنند. انتظارات والدین نیز همانند مدیران مدارس، قبولی در امتحانات و حداکثر معدل بیشتر و بالاتر است. به این ترتیب آموزش و پرورش وسیله ای برای گرفتن مدرک و ورود به دانشگاه شده است. و این حاصل به کار نگرفتن روش های تدریس نوین در آموزش و پرورش در کشور ماست. به همین سبب کیفیت آموزشی از سطح مطلوب برخوردار نیست و دانش آموزان علاقه زیادی به تحصیل نشان نمی دهند.

در این مقاله علاوه بر رسیده به نتایج مورد نظر به پاسخ این سوال نیز خواهیم رسید که چرا بعضی از دانش آموزان رشته های ریاضی فیزیک و علوم تجربی علاقه کمتری به ادبیات دارند و آن را درس سختی به حساب می آورند، از حفظ کردن لغات و معانی اشعار گله مندند و در مقابل به حل مسائل ریاضی و دروسی که نیاز به کشف و استدلال و اثبات دارند، تمایل بیشتری نشان می دهند. ریاضی را بیست و دروس مربوط به ادبیات را نمره هایی پایین می آورند.

گرچه درباره شیوه های تدریس ادبیات مقاله ها و پژوهش های متعددی توسط دبیران ادبیات و محققین و کارشناسان دفتر تألیف و برنامه ریزی کتب درسی نگاشته شده است. اما این پژوهش برآنست تا با تأکید بر آرای برونر به راهکارهای تازه ای دست یابد.

۲. زندگی، آثار و نظریه یادگیری برونر

جروم برونر در سال ۱۹۱۵ در نیویورک متولد شد و در سال ۱۹۴۱ موفق به اخذ درجه دکترا از دانشگاه هاروارد گردید. و در همان دانشگاه به تدریس پرداخت. و در سال ۱۹۶۴ به ریاست انجمن روانشناسان آمریکا رسید.

کتابهای مهم وی در زمینه تربیتی عبارتند از یادگیری درباره یادگیری، مناسبت آموزش و پرورش، فرایند آموزش و پرورش. برونر یکی از سرشناسترین روانشناسان رشد و شناخت به شمار می آید. [۴]

وی سه مرحله رشد شناختی را بیان میکند ۱. مرحله حرکتی که کودک از طریق عمل کردن محیط پیرامون خود را درمی یابد ۲. مرحله تصویری یا شمایی؛ کودک رویدادهای زندگی خود را به صورت تصاویر ذهنی حفظ می کند. ۳. مرحله نمادی

مرحله نمادی؛ یعنی فهم دنیا از طریق عمل و ادراک جای خود را به فهم دنیا از طریق نظام های نمادین می دهد. این مرحله شامل استفاده از نظام های نمادی اختیاری مانند زبان یا علائم ریاضی است منظور از بازنمایی اشاره به چیزی است که جای چیز دیگری را می گیرد و یا نماد آن به حساب می آید. [۵]

برونر معتقد است که بهترین کار آن است که یادگیرنده خود این نظام ها را کشف کند نه اینکه معلم آن را بصورت آماده در اختیار او قرار دهد. برونر مدافع یادگیری اکتشافی است. [۶] و این بدان معنی است که دانش آموزان خود باید مسائل را کشف کنند.

او بیان می کند ما یک موضوع را به این دلیل تدریس نمی کنیم که کتابخانه های زنده کوچکی به وجود بیآوریم بلکه می خواهیم دانش آموز خودش کشف کند. مطالب را مانند یک مورخ در نظر بگیرد و در فرایند کسب دانش مشارکت کند زیرا اگر ما پاسخ را مستقیماً در اختیار شاگردان قرار دهیم، آنان را به کتاب و معلم متکی می سازیم و سبب می شویم که از خود کوششی نشان ندهند و در نتیجه انگیزه های یادگیری در آنان تضعیف شود. [۷] برونر مانند جان دیویی معتقد است که



تدریس باید موجب یادگیری شود، اما نه به این منظور که هر دانش آموز اطلاعات یا مهارت های از پیش تعیین شده از سوی معلم را یاد بگیرد. بلکه دانش آموزان در تدوین هدف های عینی یادگیری خود دخالت داشته باشند. [۸]

۱-۲. نظریه یادگیری برونر

دو موضوع اساسی، نوشته های برونر را دربر می گیرد: اول آنکه کسب دانش به هر صورت که باشد یک فرایند فعال است. دوم آن که یادگیرنده دانش را خودش می سازد و این کار از طریق ربط دادن اطلاعات قبلی او میسر می شود و این مبنای یک نظام باز نمایی درونی است. [۹] نکته ی دیگر آنکه، ساده سازی و معنی دار ساختن تجربه های اکتسابی توسط یادگیرنده یک نیاز ذاتی فرض می شود که انجام این کار مستلزم مفاهیم و مقولات است. از ترکیب این مفاهیم به قواعدی دست می یابیم که به ما این امکان را می دهد روابط بین مفاهیم را کشف کنیم برونر به این نظم، نظام رمز می گوید. به اعتقاد برونر بهترین کار آن است که یادگیرنده خود نظام را کشف کند نه اینکه معلم آن را به صورت آماده در اختیار او قرار دهد. برونر مدافع یادگیری اکتشافی است. [۶] یعنی دانش آموزان خود باید مسائل را کشف کنند. در نظریه برونر نگرش و انگیزش شاگرد بسیار مهم است.

۲-۲. آموزش ادبیات فارسی و یادگیری اکتشافی

اکتشاف به طور کلی می تواند به عنوان یافته های غیر منتظره تلقی شود که در نگارش جروم برونر از آن به عنوان تعجب موثر یاد می شود. اکتشافات نه تنها دانسته های ما را اصلاح می کنند بلکه نگرش ما را نسبت به این دانسته ها تغییر می دهند. در یک کلام، اکتشاف ما را به بازنگری و بازسازی دانش و نحوه استفاده ما از آن سوق می دهد. [۱۰]

یادگیری اکتشافی عنصر مهم نظریه سازنده گرایی است. اصل اساسی سازنده گرایی بر این باور است که ابتدا دانش در یک پس زمینه اجتماعی و فرهنگی بنا شده و سپس توسط افراد برای ارائه ی راهکارهایی جهت نگرش مجدد در مورد تکنیکها و ابزارهای آموزش حاضر، تصحیح و منطبق می شود. بنابراین، این مطالعه با هدف ارائه ی چگونگی استفاده از ادبیات در کلاس درس ساختار یک زمینه ی یادگیری ارائه می دهد و در عین حال که به زبان آموزان کمک می کند تا به عنوان اشخاص لایق برای مشارکت در شکل دهی فرهنگ جامعه حاضر شوند. ارائه ی معنا در ساخت شناسی باعث می شود که فراتر از اطلاعات موجودی رفت که در آموزش و پرورش موثر است. [۱۱]

یادگیری اکتشافی هر نوع کسب دانشی است که کودک خود به آن می رسد که بهترین نوع دانش برای آنهاست. برونر به طرح سوال از سوی معلمین برای قراردادن دانش آموزان در موقعیت کشف و کسب قابلیت حل مساله اعتقاد وافر داشت. [۹]

در این نظریه نگرش و بینش شاگرد مهم است. طبق نظر برونر معلمان باید به جای کنترل رفتار شاگردان و ایجاد رفتارهای پیش بینی شده بر اساس عادت به ایجاد وضعیت مطلوب یادگیری اقدام کنند و سبب شوند که آنها به کشف روابط و حل مسایل نایل گردند تا بتوانند کاربرد آموخته هایشان در زندگی واقعی بیاموزند. دانش آموزان باید در محیطی کاملاً آرام و به دور از اضطراب و تنش باشند. [۱۲]

با توجه به این نظریه ی یادگیری، معلمین ادبیات برای تدریس متون نظم چون اشعار مولانا، نظامی، حافظ و...، و یا متون نثر چون حکایات مرزبان نامه، کلیله و دمنه و... نیازی ندارند دانش آموزان را با چالش سنگین معانی ثقیل رو برو کنند. و یا لغت به لغت و بیت بیت به شرح و توضیح یافته های از پیش آماده شده بپردازد بلکه باید دانش آموز با توجه به عناصر



دومین کنفرانس ملی راهکارهای توسعه و ترویج آموزش علوم در ایران

2nd National Conference on Strategies for promoting science education in Iran

۱۸ تیرماه ۱۳۹۵
8 July 2016

Galedar - Iran

گله دار - ایران



مشترک بین رویدادها در متن و از ترکیب این مفاهیم به قواعدی دست یابد که به او این امکان را می‌دهد روابط بین آنها را کشف کند.

برونر به این نظم، نظام رمزی نام نهاده است. که منظور از آن یک ترتیب سلسله مراتبی از مفاهیم است. [۶]. برونر در اثر معروف خود به عنوان " فرایند یادگیری " بیان می کند باید به دانش آموزان ساختار بنیادی آموزش داده شود، در واقع منظور این است که ارکان مهم هر نظام علمی، اصول، تعمیم ها و روش های پژوهش است و این باعث می شود یاد بگیرند که چگونه یاد بگیرند. [۹]

دانش آموزان در کلاس ادبیات به اقیانوسی پا می نهند که هرچه بخواهند از دل آن می توان بیرون کشید. شعر و نثر حتی نوشتن متن ادبی (انشا) برای هر فرد دنیای کشف نشده ای است که به گفته ی ریکور ادیب و فیلسوف فرانسوی و یکی از برجسته ترین نظریه پردازان هرمنوتیک ادبی نیت مولف هرچه باشد اهمیتی ندارد و به هر رو معنای متن از آن جداست. هر گزاره ی زبانی معنای بسیار دارد و معنای متن اثر ادبی یکی نیست. [۱۳] ولی متاسفانه دانش آموزان در نظام آموزشی ما، به معنای یکنواخت و واحدی که از سوی معلم به آنها دیکته می شود بسنده می کنند و خروجی آنها از درس ادبیات مطالبی است که طوطی وار حفظ کرده اند بی آنکه خودشان دخالتی در کسب این دانش داشته باشند.

بی تردید این یکی از دلایلی است که برخی دانش آموزان رشته های ریاضی فیزیک و علوم تجربی را در خواندن این درس دچار مشکل می کند. اگر در روش تدریس ادبیات تا حدودی از شیوه های تدریس دروس ریاضی استفاده شود و به دانش آموز فرصت حل و کشف مساله داده بشود یعنی یادگیری دانش آموز اکتشافی باشد به جذابیت و بازدهی بیشتر این درس می انجامد. در ضمن آنکه اصول تربیتی و اخلاقی نهفته در دل هر اثر به دست خود دانش آموزان رمزگشایی می شود و در نگرش آنها در برابر آنچه که خود کشف کرده اند تأثیر ماندگاری می گذارد.

کلاس های ادبیات یکی از بهترین موقعیت هایست که در آن دانش آموزان در شرایط این کشف و یادگیری اکتشافی قرار دارند. پی بردن به رموز و ارتباط کلامی و زبانی متون و « این واقعیت که در فراشد رویارویی مخاطب با اثر، در هر لحظه معناهای بسیاری آفریده می شوند» [۱۳] که چه بسا در تضاد با معنای مورد نظر معلم هستند، و کشف آنچه که از دل متن بیرون می آید، همه و همه در کنار صبر و شکیبایی معلم، دانش آموزان را به یافته های غیر منتظره یا همان تعجب موثر می رساند. از این طریق احتمال اینکه دانش آموز خود خطای خویش را تصحیح کند افزایش می یابد.

برونر در نظریه خود به فرایند کسب معرفت، بیشتر از حفظ کردن واقعیت های علمی توجه دارد. برونر در تحقیقات خود به مطالعه فرایند یادگیری در کلاس می پردازد. یکی از تمایزهای وی با دیگر پژوهشگران در این است که او به مطالعه یادگیری حیوانات از جمله موش و پرندگان کمتر رغبت نشان میدهد. از نظر برونر آموزش یعنی کوشش برای کمک به شکل گیری رشد شناختی است، نظریه برونر به فرایند تفکر تاکید میکند و بازده اصلی رشد شناختی تفکر است و هدف آموزش و پرورش باید این باشد که یادگیرنده را به صورت متفکری خودمختار در آورد. در این شیوه خوانش شعر و نثر کلاسیک دیگر نیازی به ترجمه و تفسیری واحد از سوی آموزگار ندارد. بلکه دانش آموزان در فرایند تفکر به برداشت های متفاوت و متنوع دست می یابند. دانش آموزان خود در می یابند که چه باید از دل متن بیرون بیاورند.

برونر به یادگیری از راه بصیرت تاکید دارد که طبیعتاً در آموزش ادبیات بسیار تأثیرگذار است. در نظریه برونر نگرش و انگیزش شاگرد بسیار مهم است. او به اصل شاگردمداری در کلاس های درس تاکید داشته و معتقد است کلاس درس باید محیطی کاملاً آرام و دور از اضطراب و تنش باشد. در این صورت است که شاگردان می توانند عقاید و دریافت های خود را با آزادی بیان کنند با علاقه به نظرات دیگران گوش دهند، در مورد مسائل مختلف بیندیشند و به سازماندهی مفاهیم ذهنی خود بپردازند و بدین وسیله نیروی تفکر در آنها تقویت می شود. [۱۴]



دومین کنفرانس ملی
راهکارهای توسعه و ترویج آموزش علوم در ایران

2nd National Conference
on Strategies for promoting science education in Iran

۱۸ تیرماه ۱۳۹۵
8 July 2016

Galedar - Iran

گله دار - ایران



۳. نتیجه گیری

نظام آموزشی در مدارس ما گرچه دچار اشکالات و ایراداتی است اما این ایرادات در روش تدریس ادبیات بسیار عمیقتر و جانگدازتر است. شیوه ی تدریس ادبیات نباید تک بعدی باشد. گفتگو، آزادی بیان و شاگردمداری از ویژگی های مهمی هستند که اگر در کلاس های ادبیات لحاظ شوند علاقمندی دانش آموزان و قدرت تفکر و تجزیه تحلیل ایشان تقویت شده و از حالت حفظ طوطی وار درس شیرین ادبیات دور می مانند. در تدریس ادبیات به لحاظ پتانسیل های آزادی که در کشف نظام های رمزی متن و معناهای بی شمار آن وجود دارد اداره ی کلاس به شیوه ی شاگردمداری در جذابیت و بروز خلاقیت دانش آموزان بسیار تأثیرگذار است. قدرت تفکر خودمختار را در بروبرو شدن با اثر ادبی افزایش میدهد و آنها را در رسیدن به لذت ادبی یاری می کند. معلم باید به جای کنترل رفتار شاگردان به ایجاد وضعیتی مطلوب برای یادگیری اقدام کند و سبب شود که دانش آموزان به کشف روابط و حل مسائل نایل گردند تا بتوانند کاربرد آموخته هایشان را در زندگی واقعی بیاموزند. آنچه را که سالیان دراز حکیمان و ادیبان به زبان لطیف و خیال پردازیهای ادبی و تمثیل و حکایت بیان کرده اند در ذهن خویش موشکافانه مورد تحلیل قرار دهند و در تجارب زندگی به کار برند. زیرا آنچه را که دانش آموز از طریق یادگیری اکتشافی کسب می کند تأثیرگذاری عمیقتری دارد.

در نتیجه ی این روش تدریس شاگردان در فضایی صمیمی عقاید خود را بیان می کنند و می توانند با علاقه به گفتار یکدیگر گوش دهند.

از طرف دیگر یادگیری از طریق اکتشافی احتیاج به معلمی کار آزموده و توانا دارد؛ زیرا بعضی از دبیران از عهده ی اداره چنین کلاسی بر نمی آیند. پس از طرح مساله اداره کلاس از عهده آنان خارج می شود و شاگردان به هرج و مرج و بی انضباطی کشیده می شوند. در نتیجه باید آموزش هایی برای معلمان فراهم شود که به صورت عملیاتی تر با این روش تدریس آشنا شوند.



دومین کنفرانس ملی
راهکارهای توسعه و ترویج آموزش علوم در ایران

2nd National Conference
on Strategies for promoting science education in Iran

۱۸ تیرماه ۱۳۹۵
8 July 2016

Galedar - Iran

گله دار - ایران



مراجع

- [۱]- گوتهک، جرالدا ال، (۱۳۸۹)، مکاتب فلسفی و آراء تربیتی. ترجمه محمدجعفر پاک سرشت. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت).
- [۲]- کریمی، یوسف، (۱۳۸۹)، روانشناسی تربیتی، چاپ سیزدهم، تهران، نشر ارسباران.
- [۳]- قریب، گیتی، (۱۳۹۵)، معلم تمهیدگر تبیین گر پالاینده، خبرنامه گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی فرهنگستان، شماره ۲۱، اردیبهشت، ص ۷.
- [۴]- پارسانی، محمد، (۱۳۷۰)، روانشناسی یادگیری بر بنیاد نظریه، چاپ اول، انتشارات بعثت.
- [۵]- مهدی زاده، حسین، (۱۳۹۰)، برگرفته از سایت: www.moshavereh22819.mihanblog.com/post/113
- [۶]- کاهانی، علی، (۱۳۸۹)، برگرفته از سایت: www.ravankadeh.com/1389
- [۷]- اسلاوین، رابرت، (۱۳۷۰)، روانشناسی تربیتی، مترجم سید یحیی محمدی، نشر روان.
- [۸]- نودینگز، نل. (۱۳۹۰)، فلسفه تعلیم و تربیت. ترجمه علیرضا شواخی و همکاران. اصفهان: نشر نوشته.
- [۹]- سیف، علی اکبر، (۱۳۸۸)، روانشناسی تربیتی، چاپ ششم، نشر روان.
- [۱۰] - R. Root-Bernstin , , 2011, Encyclopedia of Creativity (Second Edition), pp 387-390
برگرفته از سایت: www.sciencedirect.com/science
- [۱۱]- Jerome Bruner PH.D ,January 1984, Volum 23, Issue 1, pp1-7
برگرفته از سایت: www.sciencedirect.com/science
- [۱۲]- شعبانی نژاد، حسن، (۱۳۷۲)، مهارت های آموزشی و پرورشی، چاپ دوم، تهران: سمت.
- [۱۳]- احمدی، بابک، (۱۳۷۷)، ساختار و تأویل متن، نشر مرکز.
- [۱۴]- هدایتی، در تاریخ ۹۰/۹/۲۵، برگرفته از سایت:
http://www.ettelaathekmatvamarefat.com/new/index.php?option=com_content&view=article